

صورت مذاکرات نخستین جلسه کنوانسیون (۱۷۹۲-۱۷۹۵)

مللی که بخاطر آزادی بر حکومت وقت قیام کرده و بقوه قهریه خواسته اند اساس ظلم و خودگامگی را واژگون سازند - چنانکه تاریخ نشان میدهد - غالباً بعکس نتیجه گرفته اند. انقلاب انگلیس در نیمه اول قرن هفده که منجر بقطع گردن چارلز اول شد کرامول را بروی کار آورد که براتب از یادشاهان خانواده استوارت مستبدتر و خشن تر و خونخوارتر بود و طرفه اینکه پس از مرگ وی مردم فرزند چارلز اول را بطیب خاطر بسلطنت برداشتند. افراط مردم فرانسه در راه تأمین آزادی و تأسیس حکومت جمهوری و کشت و کشتارهای سبعانه ربوسیر در دوره حکومت وحشت (۱۷۹۳-۱۷۹۴) و ضعف و سستی و رشوه خواری و خودخواهی هیئت مدیره (۱۷۹۵-۱۷۹۹) زمینه را برای ظهور ناپلئون که او نیز بنوبه نسبت بسلطین اخیر بوربن بدرجات مستبدتر بود آماده ساخت.

صورت مذاکرات نخستین جلسه کنوانسیون بخوبی معلوم میدارد که نمایندگان ملت تا چه پایه اسیر احساسات و عواطف بوده اند و یکی دوتن هم که آهستگی و معقولیت را پیشنهاد خاطر ساخته بودند و همکاران را بسیر در همان جهت توصیه میکردند موفقیت حاصل نکردند و نمایندگان بعضی از روی ترس و بعضی از روی ایمان بعجله و شتاب تمام بخلع لوثی ۱۶ و لغو بنیاد سلطنت رأی دادند و ندانسته راه را برای کشمکشها و خونریزیهای بیست ساله ناپلئون هموار ساختند.

اینک ترجمه متن مذاکرات برای عبرت خوانندگان: از کتاب «منابع تاریخ جدید اروپا» گردآورده رابینسون مورخ شهیر امریکائی:

سیصد و هفتاد و یک نفری که ملت فرانسه بعضویت مجلس کنوانسیون انتخاب کرده بود انجمن شدند و پس از رسیدگی باعتبار نامه ها انعقاد رسمی مجمع را اعلام دادند. . . .
هانوئل: ۱ نمایندگان ملت، کشیدن بار سنگینی که بر دوش شما گذارده شده فوق طاقت بشر است. هنگامیکه کی نیاس بسنای رم وارد شد گمان کرد که بمجمعی قدم گذارده که اعضای آن همه سلطین ذی شأنند. اگر من در مقام چنین مقایسه ای برآیم هتک حیثیت شما کرده ام. درین مجمع من با گروه فلاسفه روبرو هستم که همه در صددند راه وصول بسعادت و خوشی عالمیان را هموار سازند. پیشنهاد میکنم رئیس کشور فرانسه قصر ملی را مقرر خود بسازد و نشانه قانون و قدرت در کنار او باشد و هر بار که افتتاح جلسه را اعلام میدهد حضار از

جای بر خیزند . این احترام بحق حاکمیت ملت دائم حقوق ووظائفی را که بهمه داریم دائم درپیش چشم ما نگه میدارد .

سیمون: ۲ من پیشنهاد میکنم مجمع اعلام دهد که هرگز درهیچ امری بحث نمیکند مگر در حضور مردم .

رئیس مجلس: پیشنهاد شما بطی پیشنهاد میومانوئل ندارد و تا پیشنهاد نخستین رأی نگیرم نمیتوانم بموافق و مخالف شما اجازه سخنرانی دهم .

ماتیو: ۳ تردید دارم که پیشنهاد میومانوئل شایستگی این را داشته باشد که مانع مذاکرات ما بشود . اسلاف ما اوقات گرانها را در اوری از قبیل تعیین دقیق ابعاد سندلی پادشاه سابق تضييع کردند . ما نمیخواهیم خطای آنها را تکرار کنیم .

شابو: ۴ نمایندگان ملت ، من با پیشنهاد هموطن و همشهری یعنی میومانوئل مخالفم و حیرانم با اینکه او از هر گونه اشاره ای پادشاه و پادشاهی امتناع دارد چگونه درین هنگام پیشنهاد مینماید که باز پادشاهی برتر اشیم و يك تر از ابناء نوع را قدر و شوکت بی پایان بدهیم . ملت فرانسه دوستان از اعضای مجلس مقنن سابق را که همه بقید قسم تعهد کرده اند با سلطان و سلطنت مبارزه کنند بو کالت مجلس کنوانسیون انتخاب کرده است و این جماعت آشکارا بصراحت میل خود را بپیرقراری حکومت عامه ابراز داشته است . این هیئت نه تنها نسخ کلمه پادشاه را خواسته بلکه میکوشد هر گونه جلال و جبروت بیجا را از میان بردارد و بنا برین حتی منتقد بوجود رئیس کل کشور فرانسه نیست . چه مقامی از همدمی و هم نشینی با طبقات زیر دست که اکثریت ملت را تشکیل میدهند ارجمند تر است . هر وقت شما خود را ازین طبقه دانستید و بهیأت و حلیت این طبقه در آمدید و الا مقام هستید و فرمانها و حکمهایی که صادر میکنید متبوع و محترم خواهد بود .

تالین: ۵ در عجبم که مذاکرات در محور امور تشریفاتی دور میزند بیرون ازین تالار رئیس مجلس فردی است عادی . هر زمان که آهنگ گفتگوی او میکنید طبقه سوم یا پنجم عمارتی که منزل او است بروید . فضیلت در چنین جای یافته میشود .
پیشنهاد میومانوئل بکلی رد شد .

تالین: من پیشنهاد میکنم که قبل از هر اقدامی اعضای مجمع بجد قول دهند تا برای ملت فرانسه حکومتی مبتنی بر اساس آزادی و برابری برقرار ندارند از یکدیگر جدا نشوند . همچنین پیشنهاد میکنم و کلاه سوگند یاد نمایند که قانونی خلاف آن تصویب نفرمایند و این سوگند را هنگام کار از مد نظر دور ندارند و کسی نی که سوگند خوری کنند بمقوبت ملت گرفتار شوند (تحسین حضار)

مرلین: ۶ پیشنهاد میکنم از موضوع قسم صرف نظر بشود . فقط بملت قول بدهیم که در راه نجات آنها سعی بلیغ مبذول خواهیم داشت . فعلا مصلحت آنست که بکار مشغول شویم و موقع را بسخترانی و مشافقه از دست ندهیم .

کوتن : ۷ گمان نمیکنم ازین پس کسی را یارای آن باشد که باز درباب لزوم و عدم لزوم سلطنت سخن بگوید . سلطنت لایق بردگان است . اگر ملت فرانسه باز بخواهد آن نوع حکومتی را که مدت چهارده قرن بجنایتکاری بوده است برقرار سازد درخور این آزادی که تحصیل کرده نخواهد بود . نه تنها بر بنیاد سلطنت بلکه هر گونه قدرت فردی که آزادی مردم را محدود کند و اصول مساوات را نقض نماید قلم نسخ باید کشید .

فیلیپو : ۸ امری واجب تر در پیش داریم و آن اینکه حدود قدرت عمال قانون را برای حفظ امنیت عمومی معین و تشخیص کنیم . من پیشنهاد میکنم که مجلس موقتاً تمام قدرت را در دست خویش بگیرد .

کموس : ۹ کار اساسی تر و واجب تر این است که اجازه جمع آوری مالیات صادر گردد و چنانکه خاطر حاضران مستحضر است وظیفه هر ملس تازه این است که در نخستین جلسه تکلیف این امر را روشن نماید .

پیشنهاد فیلیپو و کموس بانفاق آراء تصویب شد .

کولو : ۱۰ همین اکنون پیشنهادی عاقلانه را تصویب فرمودید . اما امری دیگر هم هست که اگر آنرا فردا یا امروز عصر و حتی يك دقیقه بعد موکول کنید بی اعتقادی و بی ایمانی خود را نسبت بارزوهای ملت نمایان ساخته اید و آن لغو سلطنتست (تحصین عموم حضار) **کیمت :** ۱۱ درین امر ملت حاکم است نه ما . وظیفه ما این است که نوع حکومت را معلوم و مشخص داریم . بر مردم است که بین نوع حکومت جدید که ما پیشنهاد میکنیم و طرز حکومت قدیم که سلطنت بوده است خود یکی را اختیار کند .

گرگوار : ۱۲ اطمینان دارم ما و کلاه هیچکدام در مقام آن نیستیم که این سلسله منحوس را در فرانسه نگهداری کنیم . همه خوب میدانیم که سلاطین طایفه ای بوده اند شکم خواره و حریص که فقط گوشت آدمیزاد شکم بی هنر پیچ پیچ آنها را سیر میکرده است . باید بدوستان آزادی امنیت خاطر بدهیم و برای این طلسمی که قوه افسونش هنوز انسان را گیج میکند باطل السحری بیابیم . من پیشنهاد میکنم که با کمال بی پروائی لغو سلطنت را اعلام دهیم . حضار بی اختیار موافقت با پیشنهاد گرگوار از جای برخاستند .

بازیو : ۱۳ اخطار نظامنامه ای دارم این عمل در نظر مردمی که ما را برای حفظ گرامی ترین مصالح خود انتخاب کرده بس هولناک است . ما نباید به تبعیت از هوای نفس و میل دل چنین کار مهمی را بيك قیام و قعود فیصله دهیم . من پیشنهاد میکنم درین امر بیشتر بحث و مذاکره کنیم .

گرگوار : بحث در موضوعی که جملگی بر آند چه سود دارد . پادشاهان در عالم اخلاق همان مقام دارند که حیوانات عظیم الجثه غیر معهود در عالم طبیعت . در بار کارخانه جنایت

—۷ M. Couthon —۸ M. Philippeaut —۹ M. Camus —۱۰ M. Collotd'Herbois

—۱۱ M. Ouvette —۱۲ M. Grégoire —۱۳ M. Bazire —۱۴ Collot d'Herluis

وکنام چهاران است. تاریخ پادشاهان نقل داستان شهادت ملل است. ۱۴ چون ما بر صدق این گفتار هم آوازیم دیگر چه جای قیل و قال و بحث و جدال است. تقاضا میکنم پیشنهاد من رأی بگیریید.

دوکاس: ۱۵ این قانون بیشتر داستان جنایات اوئی ۱۶ را مجسم میسازد و این داستانی است که همه فرانسویان خوب بر آن آگاهند. تقاضای من این است که این قانون هر چه ممکن است ساده و موجز باشد چه سراسر کشور بر حادثه دهم اوت واقف است و بنابراین قضیه احتیاج بطول و تفصیل ندارد.

مذاکرات پایان یافت. سکوت محض در صحن مجلس حکمفرما شد. پیشنهاد گرگوار رأی گرفتند و پیشنهاد با هلهله و شادی بدینصورت تصویب شد:

«مجلس کنوانسیون اعلام میدهد که سلطنت در کشور فرانسه منسوخ است» ۱۶.

۱۴ - البته خوانندگان توجه خواهند فرمود که این اوضاع و احوال بتاریخ گذشته فرانسه مربوطست. ۱۵ - M. Ducos

۱۶ - متأسفانه در قسمت اول این مقاله مندرج در صفحه ۵۴۳ از شماره پیش چند غلط چاپ راه یافته است. از نویسنده محترم بوزش میخواهم و از خوانندگان خواهش میکنم غلطها را باین ترتیب تصحیح فرمایند: صفحه ۵۴۳ سطر ۳ کلمه ۱۲ هوشمند. سطر ۱۰ کلمه ۱۶ مشاغل.

صفحه ۵۴۴ سطر ۲ کلمه ۸ هیچکینز. سطر ۱۸ کلمه ۲ دوونیم. سطر ۲۸ کلمه ۱۳-۱۴ بحق حاکمیت. سطر ۹ کلمه ۱۱ بوجب.

صفحه ۵۴۵ سطر ۳ کلمه ۱۲ طبقات. سطر ۶ کلمه ۱۳ ریزی. سطر ۹ کلمه ۳ توپلری. سطر ۱۲ کلمه ۲ پس از. سطر ۱۳ کلمه ۷-۸ باشی وفا. سطر ۱۹ کلمه ۱۵ سخت.

صفحه ۵۴۶ سطر ۱ کلمه ۶ خود مردم. سطر ۷ کلمه ۳-۴ پیشنهاد تالون. کلمه ۱۰ حومه سطر ۱۳ کلمه ۵-۶ نقشه بخط صفحه ۵۴۷ سطر ۲۷ کلمه ۴ میکنیم

صفحه ۵۴۸ سطر ۲ کلمه ۱۳ آنان. سطر ۷ کلمه ۱ مرکب. سطر ۲۹ کلمه ۱۴-۱۵ افراد این.

سطر ۳۲ کلمه دوم Dumourien سطر ۳۳ کلمه ۱ Choiseul Gouffier

صفحه ۵۵۰ سطر ۱۸ کلمه ۲ زمان صفحه ۵۵۱ سطر ۱۷ کلمه ۶ محبس

صفحه ۵۵۲ سطر ۱۸ کلمه ۱۳ عراده. سطر ۲۵ کلمه ۱۱ بگذرید». سطر ۲۷ کلمه ۱۳ مشابهتی

صفحه ۵۵۳ سطر ۲۴ فرریر

یمنی نشان دوختن اول بریدن است
بوعلی سینا

که تا بلند نگردد صدای گریه مسا
غنی

که صد سر است بیک حلقه کمند اینجا
صائب

قطع تعلقات بایزد رسیدن است

بدیده سر مه کشیدیم و گریه سر کردیم

ز مکر سبجه شماران خدا نگهدارد